

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۹ سپتمبر ۲۰۲۰

کمونیست‌ها و شکل برخورد با مذهب

در مبارزه با مذهب نمی‌توان به زور اسلحه متوسل شد و با قهر و اجبار مردم، توهین به اعتقادات و به آتش‌کشیدن کتاب مقدس‌شان و به راه انداختن جنگ صلیبی ... و ادارشان کرد از تعلقات مذهبی و اعتقادات دینی خویش دست بردارند. این اعتقادات ریشه چند هزار ساله در میان مردم دارند و زمینه‌های مادی برچیدن آن، که به درجه آگاهی عمومی نیاز دارد، هنوز به طور کامل فراهم نشده است. این است که شمشیرکشیدن بر روی مذهب و از جمله مذهب اسلام و شعار کودکانه «مرگ بر اسلام» دوی درد نیست و نظر کسی را نسبت به اسلام تغییر نمی‌دهد، به عکس منجر به آن می‌شود که مسلمانان و نه تنها مسلمانان حتی اتباع لامذهب این ممالک نیز خود را مورد تعرض و تهاجم حس کنند و در مقابل یورش دشمن مذهبی، که در حقیقت انگیزه سیاسی را به یدک می‌کشد، جبهه‌گیری کنند، به یورش متقابل دست زنند. ما از شکست «بیسمارک» در المان در مبارزه با مذهب با توسل به زور سخن نمی‌رانیم، چون به گذشته نزدیک تعلق ندارد؛ ولی خوب است به گذشته نزدیک و تجربه چند ده سال اخیر نظری افکنیم.

نازی‌ها در جنگ جهانی دوم میلیون‌ها یهودی را سربه نیست کردند و به طور سیستم یافته و ماشینی تصمیم گرفتند آنها را از بین ببرند. آیا در کارشان موفق شدند؟ هرگز! نتایج کار نازی‌ها واکنشی را در جهان و در میان یهودیان موجب شد که از آن واکنش کشور متجاوز و صهیونیستی اسرائیل پدید آمد که خودش با عدم آموزش از گذشته مانند نازی‌ها در پی قتل عام فلسطینی‌هاست. دولت ایران سال‌هاست که بهائیان را مورد تضییق و زندان و شکنجه و اعدام قرار می‌هد و اماکن مقدس آنها را نابود می‌سازد و جان و مال و ناموس‌شان را آزاد اعلام می‌کند. آیا رژیم اسلامی ایران قادر شده است از نفوذ بهائیان بکاهد؟ هرگز! قرن‌ها اکثریت سنی، شیعیان را مورد تعقیب و آزار قرار می‌دادند و ما با آخرین نمونه آن در لبنان و عراق و عربستان سعودی و یمن و بحرین و پاکستان و... روبه رو هستیم. آیا آنها قادر شده‌اند از نفوذ شیعه جلو گیرند؟ هرگز! به عکس این اقدامات موجب مظلوم نمائی این مذاهب شده و زمینه همبستگی و قدرت آنها را افزایش داده است

پیروان فرقه حکمتیه و برخوردشان به اسلام

پیروان «منصور حکمت»، که سیاست ضد مذهبی آنها در خدمت صهیونیست‌ها و بنیادگرایان مسیحی است، با افتخار از تروریست خواندن پیامبر اسلام حمایت کردند، در تأیید سیاست امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها اعلامیه پخش کردند و به عنوان مسلمانان توبه‌کار سازمان علم نمودند و در کنار صهیونیست‌ها همه حقوق دموکراتیک مهاجران مسلمان را

در اروپا در کنار نازی‌ها و صهیونیست‌ها به زیر پا گذاردند. باید از آنها پرسید که چرا در جشن کتاب‌سوزان، که نتیجه منطقی اقدامات گذشته آنهاست، شرکت نمی‌کنند؟ به چه مناسبت رهبران این جریان صهیونیستی در شهر کلن المان فدرال مراسم چهارشنبه سوری آتش زدن قرآن را به استناد حمایت از آزادی اندیشه و بیان، مطرح نمی‌کنند؟ از چی می‌ترسند؟

حقیقت این است که این عده در کادر سیاست امپریالیسم امریکا، که خطوط اساسی آن را می‌توان در اثر «ساموئل هانتینگتون» تحت نام «نزاع تمدن‌ها» یافت، حرکت می‌کنند و با اشاره دست «اوباما» بالا و پائین می‌روند، وگرنه، اگر ذره‌ای به اصول ادعائی خویش اعتقاد داشتند، باید مراسم قرآن‌سوزی راه می‌انداختند، فراخوان می‌دادند و از کشیش امریکائی مانند بار گذشته، که از کاریکاتوریست دنمارکی حمایت نمودند، پشتیبانی می‌کردند. این تناقض‌گوئی و سردرگمی آنها در بهترین حالت ناشی از آن است که آنها ماهیت این مبارزه‌ای را که در گرفته است، نمی‌بینند و نمی‌فهمند. آنها در سطح باقی می‌مانند و تصور می‌کنند که گویا واقعاً نزاع بر سر آن است که یکی هوادار تمدن و ضد‌مذهب است و دیگری هوادار مذهب و دنباله‌رو سنت است. در حالی که این یک مبارزه سیاسی است و باید آن را در کادر سیاست نظم نوین امپریالیست امریکا و سیاست‌های ستراتیژیک آن تحلیل کرد.

مبارزه با مذهب، مبارزه با نادانی و جهل عمومی است و این امری نیست که در طی ده‌ها سال عملی باشد. به این جهت کمونیست‌ها همیشه مبارزه با مذهب را در متن مبارزه طبقاتی دیده و از دریچه منافع مبارزه طبقاتی به آن برخورد کرده‌اند. یک کارگر نمازخوان که در تظاهرات و اعتصابات شرکت می‌کند و قرآن کوچکی در جیب دارد صدها بار ارزش و تأثیرش برای مبارزه از یک روشنفکر سکولار، که برای امپریالیسم و صهیونیسم خوش‌رقصی می‌کند و قرآن را آتش می‌زند و به ضد پیامبر اسلام به عنوان فرد تروریست اعلامیه پخش می‌کند، بیشتر است. مبارزه با مذهب مبارزه‌ای طبقاتی، مبارزه‌ای طولانی است که حتی بعد از استقرار دیکتاتوری پرولتاریا در کشور سوسیالیستی نیز به پایان نمی‌رسد. باید ریشه‌های رشد مذهب را با تنویر افکار و اقتناع خشک کرد و نه با شعار مرگ بر دین و چوبه‌دار.

آنهايي که ريگي در كفش دارند و آلوده به تئوري‌هاي ارتجاعی «منصور حكمت» هستند، پيروان سياست‌هاي امپرياليسم و صهيونيسم در منطقه و جهان‌اند. مشكل اين افراد و جريانات، اگر از سر ضعف تئوريك و ناداني نباشد، حتماً از سرخود فروختگی و به نان و نواني رسيدن است. انسان در عجب می‌ماند، هرگاه كوچك‌ترين انتقادی به اوضاع دهشتناك افغانستان، عراق، ليبيا و فلسطين می‌شود و به اشغال و كشتار مردم توسط امپرياليسم‌هاي «مدرن» و «متمدن» اشاره می‌گردد، عده‌ای تُرش می‌کنند و به خود می‌گیرند. اين نشان‌دهنده عدم درك صحيح اين افراد از ماهيت امپرياليسم، ديدن درخت اما نديدن جنگل است و در تونل تاریك طی طريق می‌کنند. «منصور حكمت» از اشغال افغانستان دفاع كرد آن را مثبت ارزیابی نمود، «زیرا بر این باور بود که امپرياليسم موجب تضعيف اسلام سياسي در افغانستان و منطقه خواهد شد». چه فقري! صهيونيسم‌هاي نژادپرست اسرئيل و آدمخواران ناتو برای چنین «اندیشه‌مندی» کف می‌زنند. بهتر از این نمی‌شود به امپرياليسم در منطقه خدمت کرد.